

هلموت ریتر

ریچارد والزر

خانواده‌اش، در زندگانی اجتماعی نیز مردی جسور و سربلند بود. در سال‌های دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در عین حال که به نحوی مشخص از پلیدی‌های حیات سیاسی آلمان کناره گرفت، توانست به یکی از بزرگ‌ترین نمایندگان جنبه والا و ماندگار شرق‌شناسی آلمان بدل گردد. دوستی فوق‌العاده وفادار بود و موهبت آن را داشتیم که از تابستان ۱۹۳۳ که اول بار مرا به همکاری فرا خواند، از دوستی او بهره‌ور باشیم؛ یعنی از دوره‌ای که همراهی با پژوهشگران نامطلوب و ناخواسته، کاری خطرناک شده بود. شهرت بین‌المللی او حد و مرزی نداشت و در عرصه تحقیقاتش نوعی سلطان بی‌تاج و تخت بود. در جهان انگلیسی‌زبان نیز معروف و شناخته شده بود. در میان مقالاتی که به مناسبت هفتادمین سال تولدش ارائه گردید^۲ به پانزده مقاله از اساتید دانشگاه‌های امریکا و انگلستان برخوردیم. تعداد به مراتب بیشتری از پژوهشگران انگلیسی‌زبان نیز در مجله *اورینس* (*Oriens* شرق)، نشریه انجمن بین‌المللی تحقیقات شرقی که او در سال ۱۹۴۷ بنیان نهاد، مقالاتی منتشر کرده‌اند. او در سال ۱۹۵۰ در مقام سخنران مدعو و در حضور جمعی چشمگیر سه مطلب در آکسفورد و کمبریج ارائه کرد که از آن میان دو سخنرانی در شماره‌های ۵ / ۱۹۵۲ و ۶ / ۱۹۵۳ *اورینس* منتشر شدند و یکی نیز در مقام پیشگفتاری بر تصحیح وی از *اسرار البلاغه* عبدالقاهر جرجانی. از انتخاب خود به عنوان عضو پیوسته آکادمی بریتانیا فوق‌العاده مشعوف شد. از سال ۱۹۴۸ نیز عضو آکادمی عرب دمشق بود. هیچ یک از آکادمی‌های آلمان او را پاس نداشتند.^۳

هلموت ریتر از یک خاندان ریشه‌دار از روحانیون پروتستان هسن برخاسته بود؛ ولایتی از دهقان‌های آزاد و سربلند آلمان.^۴ پدرش از کشیشان سرشناس روستایی بود و یکی از برادران بزرگ‌ترش گرهارد ریتر، از پژوهشگران صاحب نام تاریخ معاصر آلمان است. یکی دیگر از برادرانش، کارل برنارد، یک روحانی برجسته و متنفذ بود و فرایدرت، تنها برادر برجای مانده او، یک دانشمند و صاحب صنعت برجسته است. تمامی خانواده ریتر به خاطر شجاعت و ناسازگاری فعالانه خود [با شرایط حاکم] در خلال سال‌های سخت و دشوار ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ شهرت دارند.

هلموت ریتر هیچ‌گاه همسو و همراه جریان غالب نبود و به همین رو ساز و کار دانشگاهی‌اش نیز مسیری نامتعارف یافت. و. انریک، مورخ تاریخ باستان و یکی از همشاگردی‌های او در مدرسه،

هلموت ریتر (۱۹۷۱ - ۱۸۹۲) از جمله شرق‌شناس‌هایی است که قدر او در ایران هنوز به اندازه کافی شناخته نشده است. این‌که بخش چشمگیری از حیات پرثمر خود را صرف تحقیق پیرامون ادب و فرهنگ عربی و ترکی کرد و تنها در مراحل پایانی عمر - اگرچه با علاقه‌ای فزاینده - به ادب فارسی روی آورده بود نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. اندک زمانی بعد از فوت او در ۱۹ مه ۱۹۷۱، ایرج افشار در *راهنمای کتاب* (س ۱۴، ش ۴-۶، تیر - شهریور ۱۳۵۰، ص ۴۱۴) در یادداشتی از این ضایعه یاد کرد تا آن‌که همو با انتشار ترجمه فارسی مقاله‌ای از فریتس‌مایر در رثای ریتر باعث شد حق مطلب نیز ادا شود (ترجمه س. مهاجر قمی، *آینده*، س ۱۱، ش ۴ - ۵، تیر - مرداد ۱۳۶۴، صص ۳۲۹ - ۳۱۸).

در یک یادآوری دیگر، مقاله‌ای از ریچارد والتزر ترجمه می‌شود در گرامی‌داشت یاد او. این مقاله در همان سال‌ها در این نشریه منتشر شد: *Oriens*, Vol. 23 (1974), pp. 1-6

کاوه بیات

هلموت ریتر به رده‌ای متعالی از انسانیت تعلق داشت. مرد بزرگی بود به معنای واقعی کلمه. در مقام یک پژوهشگر جامع و اساسی، مقامی بلند داشت و در گردآوری داده‌هایی که درک عمیق‌تر هنر و اندیشه، بنیان‌ها و تاریخ بر اساسشان استوار است، ید طولایی داشت. با چاپ اول متون عربی، فارسی، ترکی و اخیراً نیز سریانی معمولاً برگی مهم و اساسی بر داده‌های موجود در گنجینه ما می‌افزود. آثاری از این دست را هیچ‌گاه نمی‌توان حاصل صرف پرکاری یا توجه معطوف به دقایق دانست، بلکه غالباً - به ویژه به گونه‌ای که در مورد ریتر صدق می‌کند - حاصل درکی جامع از موضوع مورد علاقه با تمامی ابعاد و جزئیات آن است؛ وی با ظرایف پنهان در شعر عربی، فارسی و ترکی و تفسیرهای محلی آن‌ها آشنایی داشت؛ و همچنین از الهیات و عرفان اسلامی، و واقعیات حیات مسلمانان در بلاد مختلف دارالاسلام.

آثار ادبی او وسیع و گسترده است (در کتاب‌شناسی‌ای که ارنست گروبر از آثار او منتشر کرده است از ۵۳ کتاب، بیش از ۱۰۰ مقاله بلند و کوتاه، و بیش از ۲۲۰ نقد و معرفی مختلف سخن در میان است).^۱ در جست و جوی حقیقت سر از پای نمی‌شناخت؛ نوعی متاله سکولار در سنت دینی اسلاف روحانی‌اش بود. هنرمند نیز بود؛ موسیقی‌دانی برجسته بود با احساسی عمیق و ظریف. همانند دیگر اعضای



تندیس هلموت ریتزر در جوار آرامگاه عطار (نیشابور)

روزی در لندن از هوش و نبوغ فوق‌العاده‌اش در ایام کودکی برایم تعریف کرد. از میان اساتید دانشگاهی او از تئودور نولدکه می‌توان یاد کرد که بسیاری از شرق‌شناسان مدیون دانش عمیق و گسترده او هستند و همچنین کارل بروکلمان که ریتزر همیشه از شوق و بصیرت وی در مقام یک استاد زبان سخن می‌گفت. او در انستیتو کولونیال هامبورگ به محفل کارل هاینریش بکر (۱۹۳۳ - ۱۸۷۶) پیوست.^۵ بکر، بنیان‌گذار مطالعات اسلامی به معنای اخص کلمه و سرشار از اندیشه‌های جدید و درخشان، در سال‌های پیش از جنگ اول جهانی در اوج خود بود. ارتباط ریتزر با بکر نزدیک و مستمر بود و در سال ۱۹۱۹ جانشین وی در هامبورگ شد. در خلال سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ از اعضای هیئت تحریریه نشریه *Der Islam* بود که بکر آن را در ۱۹۰۸ بنیان نهاد. فراز و نشیب‌های جنگ اول جهانی موجب شد که در مقام مترجم ارتش آلمان رهسپار امپراتوری عثمانی گردد. دوستی او با آموزگارم گوتهلف برگستراسر در این ایام آغاز شد و تا مرگ نابهنگام وی در ۱۹۳۳ ادامه یافت.^۶

در خلال این سال‌ها بود که شالوده پیوند دیرپای او با جهان معاصر اسلامی و همچنین تسلط عمیق او بر زبان رایج عربی و ترکی (و بعدها نیز فارسی) نهاده شد. آثار او در ایام اقامتش در هامبورگ علاوه بر تحقیقات معاصر از حوزه پرتنوعی از علائق حکایت دارد.^۷ درباره آرامی جدید^۸، مقالاتی درباره یک دستورالعمل تجاری^۹؛ در مورد Picatrix «یک راهنمای عربی جادوی یونانی»^{۱۰} که متن عربی آن را در سال ۱۹۳۳ منتشر کرد^{۱۱}؛ در مورد فتواها^{۱۲}؛ نقدها و بررسی‌هایی در مورد آثار ادوارد براون مانند سخنرانی‌های او درباره طب عربی (۱۹۲۲)، ترجمه تجدیدنظر شده براون از چهار مقاله نظامی عروضی (۱۹۲۲)، کتاب اسناد و داده‌هایی جهت مطالعه مذهب بابی (۱۹۲۳) براون و بالاخره بررسی کتاب تاریخ ادبیات ایران در دوره معاصر او (۱۹۲۶)؛ گزارشی مفصل درباره کتاب گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان ایگناتز گلدزیهر (۱۹۲۲) - بسیاری اطلاع ندارند که ریتزر قصد داشت مجموعه کاملی از نوشته‌های پراکنده گلدزیهر را منتشر کند که فقط ۸۰ صفحه آن حروفچینی شد^{۱۳}؛ نقدها و بررسی‌هایی درباره کارهای باستان‌شناختی ف. زاره و ا. هرزفلد (۱۹۲۲)، ترجمه دی. اس. مارگولیوت از فرج بعد از شدت ابوعلی محسن تنوخی.

در همین ایام سه اثر عمده را نیز منتشر کرد: ترجمه آلمانی *کیمیای سعادت* غزالی^{۱۴}؛ مجلد اول از ترجمه آلمانی و متن ویراسته مجموعه‌ای از قاراگزها، سایه بازی‌های ترکیه (۱۹۲۴)^{۱۵}، همراه با تصاویر رنگی که بعدها دو مجلد دیگر نیز بدان‌ها اضافه شد^{۱۶} و کتابچه‌ای فوق‌العاده و تا به امروز بی‌نظیر در توضیح زبان تشبیه در شعر نظامی گنجوی (*über die Bil dersprache Nizamis*) شاعر ایرانی (۱۹۲۷) که جا دارد ترجمه شود. مقایسه اساسی او بین شعر فارسی و عربی (pp. 13-21) از جمله مباحثی است که اگر روزی پژوهشگری هم‌پای او پیدا شود و دانش خود را صرف آن کند، خود می‌تواند به یک بررسی اساسی تبدیل شود. آثار و نوشته‌های بعدی ریتزر با توجه به علائق بیش از پیش او به شعر فارسی تا واپسین دوره حیات کاری او^{۱۷} راهنما و همراه پژوهشگر مزبور خواهد بود. در چنین

سال‌هایی، چهره‌ای شکل گرفت که هم برای زبان استعداد چشمگیری داشت و هم برای شعر و درک مذهب.

در فاصله ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹ ریتزر سرپرستی شعبه جدیدالتأسیس انجمن آلمانی تحقیقات مشرق زمین را در استانبول برعهده داشت. از سال ۱۹۳۵ به بعد نیز هم‌زمان با مسئولیت پیش‌گفته، در دانشگاه استانبول تدریس می‌کرد. حضور طولانی او در این شهر بزرگ و استفاده آزادانه از کتابخانه‌های ترکیه که اینک برای نخستین بار، درهایشان بر روی پژوهشگران غربی باز شده بود، برای او فرصتی استثنایی فراهم آورد و او نیز در بهره‌برداری از آن کوتاهی نکرد. در واقع به نوعی به سلطان بی‌تاج و تخت این کتابخانه‌ها و همچنین معین و مشاور طیفی از شرق‌شناسان در سراسر جهان تبدیل شد: دوست و مشاور وی از خود گذشته، فوق‌العاده خیرخواه و قابل اطمینان. او در عین حال که به نشر تعداد چشمگیری از آثار عالمانه مشغول بود، از کمک به تحقیقات دیگران براساس داده‌های جدیدی که در اثر تحقیقات بی‌وقفه‌اش در میان دستنوشته‌های استانبول پیدا می‌کرد نیز دریغ نداشت.

در دور نخست اقامتش در ترکیه^{۱۸} در درجه اول تعدادی از متون ارزشمند عربی و فارسی را منتشر کرد که به وجودشان نیازی مبرم بود: *مقالات الاسلامیین* اشعری (۳۳ - ۱۹۲۹) و *فرق الشیعة* نوبختی

(۱۹۳۱) که مبنایی شد جهت مطالعه مراحل نخست الهیات اسلامی؛ جلد اول کتاب الوافی بالوفیات صفدی (۱۹۳۱)؛ مجموعه‌ای از رسائل مختصر عربی درباره عرفان، فلسفه و فن کاشی‌سازی^{۱۹}؛ یک ویرایش جدید از هفت پیکر نظامی (به اتفاق یان ریپکا، ۱۹۳۴)؛ الهی‌نامه عطار (۱۹۴۰) و سوانح احمد غزالی (۱۹۴۴).^{۲۰}

در این جا فقط به تعدادی از کشفیات فراوان او در کتابخانه‌های ترکیه اشاره می‌کنم که زمینه‌ساز تحقیقات مهم پاره‌ای از دیگر پژوهشگران شدند؛ بررسی او از ترجمه‌های اکثراً ناشناخته عربی در مورد طب یونانی (به اتفاق راقم این سطور)^{۲۱} که متن اصلی یونانی بسیاری از آن‌ها از میان رفته است؛ کشف نسخه‌های منحصر به فرد از ۲۴ نوشته الکندی فیلسوف با همکاری م. پلسنر^{۲۲} که اینک منتشر شده‌اند؛ یک مقاله مهم و مفصل در مورد نسخ منسوب به چهار نویسنده مشهور به سهروردی^{۲۳} که برای انتشار آثار حکمت اشراق اهمیتی اساسی یافتند؛ و چهار بررسی (در مجموع ۲۴۷ صفحه) در مورد نسخه‌های خطی فریدالدین عطار، محبوب‌ترین شاعر ایرانی ریتر^{۲۴}، همراه با مباحثی چند در مورد غوامض این نسخ. تک‌نگاری او درباره نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های آناتولی و استانبول^{۲۵} و همچنین سخنرانی او در آکسفورد در باب امضاها موجود در کتابخانه‌های ترکیه^{۲۶} که برای انگلیسی‌زبان‌ها بیش از دیگر آثار او در دسترس است نیز شایان یادآوری است. افزوده‌های ریتر بر سه تکلمه تاریخ نوشته‌های عربی نیز درخور توجه است.^{۲۷} فواد سزگین، نویسنده تاریخ نوشته‌های عربی جدید شاگرد اوست.^{۲۸} در حال حاضر در آلمان فهرست‌های جامعی از نسخ خطی در حال آماده‌سازی است که سرآغاز آن‌ها به تلاش‌های مجدانه ریتر بر می‌گردد؛ نخستین مجلد دستنوشته‌های عربی زلهایم در سال ۱۹۷۴ منتشر خواهد شد.

تمامی این آثار منتشر شده که جا دارد مقالات او درباره محمد [ص]^{۲۹}، حسن البصری^{۳۰}، و آماده‌سازی ترجمه بیرونی از متنی سانسکریت را در مراحل بعد نیز بدان افزود^{۳۱}، در واقع در مقایسه با دستاوردهای او در بیست و سه سال آخر عمرش، کم و اندک می‌نماید؛ ریتر در ۱۹۴۸ نشریه اورینس را بنیان نهاد که تحت هدایت او به یکی از نشریات عمده ما بدل شد - تا سال ۱۹۷۱ بیست و دو جلد از این نشریه منتشر شد که در آخرین آن‌ها نیز آخرین مقاله او به چاپ رسید.^{۳۲}

رودولف زلهایم که بعد از استقرار ریتر در فرانکفورت در ۱۹۴۹، دستیار او بود، از ۱۹۵۶ به بعد مسئولیت اصلی اورینس را بر عهده گرفت. در این جا فرصت را غنیمت شمرده، توجه مخلصانه و دقیقی را پاس می‌دارم که او نه فقط در مورد اورینس که درباره بخش چشمگیری از دیگر آثار منتشر شده ریتر در سال‌ها بعد از جنگ مبذول داشت، از جمله و بیش از همه متن هزار صفحه‌ای جشن نامه‌ای که به مناسبت هفتادمین سال تولد او منتشر شد. از بار نخستنی که او را در ۱۹۴۹ در فرانکفورت ملاقات کرده‌ام، این از خودگذشتگی مکتومم را ارج نهاده‌ام. تنها دوستان نزدیک ریتر می‌دانند که او چه کرده است.

در ۱۹۵۴ متن عربی اسرار البلاغه عبدالقادر جرجانی منتشر شد

و به دنبال آن ترجمه ارزشمندش به زبان آلمانی (۱۹۵۹) که بیش از سی سال روی آن کار کرده بود؛ و در سال ۱۹۵۵، اثری که خود به تنهایی او را در میان اسلام‌شناسان جاودان می‌سازد: انسان، جهان و خدا در داستان‌های عطار^{۳۳} (۷۷۷ ص).

تحقیقات راهگشای او در سال‌های آخر عمرش درباره زبان رایج آسوری‌های آناتولی شرقی نیز به صورت مجموعه‌ای از متون در سه جلد منتشر شده است.^{۳۴} یک دستور زبان و واژه‌نامه که وی پیش از فوت به تکمیل آن‌ها توفیق یافت نیز برای انتشار در آینده نزدیک آماده می‌شود - به هر حال تمامی این کتاب‌ها در دسترس همگان قرار دارند و به شرح و بسط بیشتری نیاز ندارند.

زندگی او به معنای متعارف کلمه نه آسان بود و نه شادمان. سرخوردگی‌هایی بود که با تلخکامی آن‌ها را احساس و تحمل کرد. ولی از ثبات و نیرویی درونی برخوردار بود که در برابر سختی‌ها بروز می‌کرد و بر تمام مشکلاتی که دامنش را گرفت پیروز شد. در وجودش نیز تنشی اساسی نهفته بود؛ نسبت به شرق و طرز فکر و زندگی آن همدلی بسیار داشت ولی در دل خود غربی و آلمانی باقی ماند. ارسطو سعادت حقیقی را حاصل تعامل روح و روان با کامل‌ترین و بهترین فضایل انسان توصیف کرده است. بر این اساس می‌توان هلموت ریتر را انسانی سعادت‌مند دانست که به رغم یک بیماری طولانی، توانست تا واپسین روز، در عین سکون و آرامش، علاقه اصلی خود را نیز دنبال کند.

1. *Oriens* 18-19/ 1965 - 66, pp. 5-32.

2. *Oriens* 15-19/ 1962 - 66 (پنجاه و چهارمقاله)

و شرقیات مجموععی ۱۹۶۴/۵ (هشت مقاله).

۳. وی همچنین عضو افتخاری انجمن همایونی آسیایی بریتانیا و ایرلند بود (از ۱۹۵۵) و مجمع زبان ترکی (از ۱۹۵۷) و انجمن شرق‌شناسی امریکا (از ۱۹۶۴). در ۱۹۵۵ به عضویت متعارف انجمن مطالعات اسلامی بمبئی انتخاب شد و در ۱۹۶۲ نیز به عضویت انجمن باستان‌شناسی آلمان در برلین در آمد و همچنین عضویت آکادمی ادبیات بارسلون در ۱۹۶۴. دو سال پیش از درگذشت، عضو افتخاری انجمن شرق‌شناسان آلمان شد و در ۱۹۶۷ نیز دانشگاه استانبول به او دکترای افتخاری اعطا کرد.

4. Cf. H. Knodt, *Hessisches Geschlechterbuch* 15. 1960, p. 451.

5. Cf. *Bibliography*, nos. 86, 302, 319.

6. Cf. *Bibliography*, nos. 317, 318; *Bergstüsser's Einleitung in die Semitischen Sprachen*, Munchen, 1268 (که به ریتر اهدا شده است)

7. Cf. *Bibliography*, nos. 28, 30, 31, 33, 38, 60; 53 ["Tanzende Derwische", Cf. no. 85].

8. [Tūrōyo]

که - همان‌گونه که اشاره خواهد شد - علاقه اصلی او را در سال‌های آخر عمر تشکیل می‌داد.

۹. رساله دکترای او.

Bibl. no 27;



نشر آگه

کتاب‌های زیر چاپ:

بازارهای ایران (چاپ یکم)
نصرالله کسرائیان، زیبا عرشی

متفکران برجسته نظریه فرهنگی (چاپ یکم)
اندرو ادگار، پیتر سچویک، ترجمه مسعود خیرخواه

توانمندی زنان (مجموعه مقالات) (چاپ یکم)
نقدی بر رویکردهای رایج توسعه
گردآوری و تدوین اعظم خاتم

مقدمه‌ای بر آشناسی اکوستیک (فیزیک گفتار) (چاپ یکم)
دی. بی. فرای، ترجمه دکتر نادر جهانگیری

روح پراگ (چاپ سوم)
ایوان کلیما، ترجمه فروغ پوریاوری

پرسه‌ها و پرسش‌ها (مجموعه مقالات) (چاپ دوم)
داریوش آشوری

فهم نظریه‌های سیاسی (چاپ ششم)
توماس اسپریگنز، ترجمه دکتر فرهنگ رجایی

فلسفه علوم اجتماعی (چاپ سوم)
تد بنتون، یان کرایب، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد

فلسفه سیاسی قرن بیستم (چاپ دوم)
دونالد اتول زول، ترجمه دکتر محمد ساوجی

دفتر نشر: خیابان ایوریجان، روانمهر، شماره ۱۹، تلفن: ۶۶۴۳۱۵۵، فکس: ۶۶۴۰۲۳۴۹
فروشگاه: خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۳۰، تلفن: ۶۶۴۶۷۲۲۳، ۶۶۴۶۶۹۲۳، ۶۶۴۶۶۰۹۲۳
www.agahbookshop.ir info@agahpub.ir

همچنین بنگرید به:

C. Cahen in *Oriens* 15/1962/160-71

در ترجمه فارسی مقاله فریتس مایر - پیشین، ص ۳۱۹ - از این رساله تحت عنوان «فرهنگ عربی علوم بازرگانی» یاد شده است.

10. *Bibl.* no. 34.

برای متن کامل تر و مفصل تر این مقاله بنگرید به:

Picatrix. Das Ziel des Weisen Von Pseudo - Magriti,

که توسط ریتر و پلسنر از عربی به آلمانی ترجمه شده‌اند (pp.xx-Lvlll)

11. *Studien der Bibliothek Warburg*, Vol. 12.

12. *Bibl.* no. 32.

13. Cf. I. Goldziher, *Gesammelte Schriften*, hrsg. V. J.

Desomogyi, 1, Hildesheim, 1967, p. xxx

14. *Das Elixir der Glückseligkeit* 1923: 1959.

15. *Karagös. Türkische Schattenspiele* (1924).

16. *Bibliotheca Islamica*, Ba (1941), (1953).

همراه با نوشته‌هایی از Atietze و بیش از صد تصویر

Bibl. no 86a and E.I. S.V. *Karagöz*.

17. C.F. *Bibl.* nos. 46/61,66; E.1¹

مدخل جلال‌الدین رومی؛ *Islam Ansiklopedisi* مدخل حافظ.

۱۸. او پس از بازنشستگی از استادی دانشگاه فرانکفورت، در ۱۹۵۷ باز

هم به ترکیه مراجعت کرد و تا ۱۹۶۹ که به دلیل وضع نامساعد جسمانی

وادر شد به منزل بیلاقی‌اش در حوالی فرانکفورت مراجعت کند، در آن‌جا

بود.

19. *Bibl.* nos. 11,12,13,14.

20. *Aphorismen über die Liebe.*

21. *Bibl.* no.9.

22. *Ibid.*, no. 50.

23. *Bibl.* no.58.

24. *Philologica* 10, 14-16, *Bibl.* nos. 59, 80, 81, 84.

25. *Bibl.* no. 69.

26. *Ibid.*, no. 74.

27. Cf. *Supplement* 1, Leiden 1937, p. XVI.

28. Cf. Vol. 3, Leiden, 1970, p.v

29. *Bibl.* 36.

30. no.51.

31. *Bibl.* no. 78.

32. *Kurmanci, texte aus dem Tur'abdin*, I, pp. 1-135.

۳۳. نقد و بررسی فوق‌العاده فریتز مایر در مورد این کتاب (*Oriens*)

۹/1956, pp.319-31 اثری است درخور شناسایی بیشتر. به نظرم انتشار آن

به زبان انگلیسی نیز مناسب باشد.

34. *Tūrōyo. Die Volkssprache der Syrischen Christen des Tur'Abdin*, A 1-3 (1967-71):cf. *Festschrift Werner Caskel*,

Leiden 1968, pp. 235-52.